

درس خارج فقه حضرت آیت الله مسینی بوشهری (دامت برکاته)

تاریخ: ۲۷ بهمن ۱۳۹۸

مصادف با: ۲۱ جمادی الثانی ۱۴۴۱

جلسه: ۳۱

موضوع کلی: فصل فی أحكام الجبائر

موضوع جزئی: مقتضای روایات - وضوی جبیره ای

سال تحصیلی: ۹۸-۹۹

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

عرض شد که علاوه بر روایاتی که در رابطه با مسح بر جبیره در فرض قرح و جرح وارد شده‌اند، روایاتی نیز در باب تیمم وارد شده‌اند که در فرض قرح و جرح، به تیمم امر کرده‌اند که این روایات در جلسه گذشته ذکر شدند.

کیفیت جمع بین روایات دال بر مسح بر جبیره و روایات دال بر تیمم

روایاتی که در فرض قرح و جرح، به تیمم امر کرده‌اند بر موردی که امکان طهارت مائیه وجود ندارد و خوف ضرر وجود دارد، حمل می‌شوند و روایاتی که به مسح بر جبیره امر کرده‌اند بر موردی که خوف ضرر از تحصیل طهارت مائیه وجود ندارد، حمل می‌شوند، یعنی اگر امکان تحصیل طهارت مائیه؛ هرچند به صورت ناقص [و با مسح بر جبیره] وجود داشته باشد، وضو گرفته می‌شود و جایز نیست که شخص به جای وضو، تیمم کند.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «فالجرح ونحوه إمّا مکشوف أو مجبور و علی التقديرين إمّا فی موضع الغسل أو فی موضع المسح ثم إمّا علی بعض العضو أو تمامه أو تمام الأعضاء ثم إمّا یمکن غسل المحلّ أو مسحه أو لا یمکن، فإن أمکن ذلک بلا مشقة و لو بتکرار الماء علیه حتّی یصل إلیه لو کان علیه جبيرة أو وضعه فی الماء حتّی یصل إلیه بشرط أن یکون المحلّ و الجبيرة طاهرین أو أمکن تطهيرهما وجب ذلک»^۱.

از کلام مرحوم سید (ره) استفاده می‌شود که در رابطه با کیفیت غسل موضعی که جبیره دارد سه احتمال وجود دارد؛

اول، اینکه اگر انسان می‌تواند موقتاً جبیره را بردارد و آب را به پوست برساند باید جبیره برداشته شود و آب به پوست برسد و سپس جبیره روی جراحت گذاشته شود. (نزع الجبيرة).

دوم، اینکه لازم نیست که جبیره برداشته شود، بلکه ریختن آب به مقداری تکرار شود که آب به زیر جبیره برسد، یعنی جبیره به گونه‌ای است که شخص نمی‌تواند آن را به طور کامل بردارد، ولی می‌تواند آب را به زیر آن برساند که در این صورت، ریختن آب را تکرار می‌کند تا آب به زیر جبیره برسد. (تکرار الماء).

سوم، اینکه شخص موضع وضو را که جبیره دارد در آب فرو می‌برد تا آب در جبیره نفوذ کند و به پوست برسد. (وضعه فی الماء). فقها فرموده‌اند که هر یک از موارد مذکور، هدف را که رساندن آب به زیر جبیره است تأمین می‌کند، یعنی رساندن آب به زیر جبیره، هم با برداشتن جبیره، هم با تکرار ریختن آب بر جبیره و هم با گذاشتن محل جبیره در آب، حاصل می‌شود لذا انسان بین هر یک از سه مورد مذکور، مخیر است.

البته بعضی از بزرگان تخییر را بین دو چیز قرار داده‌اند؛ اول، برداشتن جبیره و دوم، فرو بردن موضع جبیره در آب.

بعضی دیگر نیز متعرض کندن جبیره نشده‌اند و تخییر را بین فرو بردن موضع جبیره در آب و تکرار الماء قرار داده‌اند. البته شاید منظور این افراد که متعرض کندن جبیره نشده‌اند، فرضی بوده است که نزع جبیره امکان نداشته است و آلا اگر امکان برداشتن جبیره باشد، بهتر است که انسان جبیره را بردارد و آب را به پوست برساند و دوباره جبیره را در جای خود قرار بدهد.

خلاصه مطلب اینکه، چون غرض‌ها و هدف‌ها یکی است، گفته شده است که کلام این بزرگان که بعضی تخییر را بین دو چیز قرار داده‌اند و بعضی دیگر متعرض دو چیز دیگر شده‌اند، از باب مثال بوده است و در مقام انحصار نبوده‌اند که بگویند ایصال الماء به بشره فقط به همان دو موردی که ذکر کرده‌اند، منحصر است.

روایات نیز مختلفند؛ بعضی از آنها متعرض نزع و غسل شده‌اند که روایت صحیحہ حلبی که قبلاً نیز به آن اشاره شد از جمله آن روایات است؛

عَنِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)... فَقَالَ: «... وَإِنْ كَانَ لَا يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيَنْزِعِ الْخِرْقَةَ ثُمَّ لْيَغْسِلْهَا...»^۱.

روایت مذکور، فقط متعرض نزع و برداشتن جبیره شده است و متعرض تکرار الماء و وضعه فی الماء نشده است.

روایت موثقه عمار که در ذیل آمده است، وضع فی الماء را مطرح کرده است و متعرض نزع نشده است؛

عَنْ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)... قَالَ: «إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَوَضَّأَ فَلْيَضَعْ إِنْاءً فِيهِ مَاءً وَ يَضَعْ مَوْضِعَ الْجَبْرِ فِي الْمَاءِ حَتَّى يَصِلَ الْمَاءُ إِلَى جِلْدِهِ...»^۲.

در بین روایات، روایاتی دال بر تکرار آب ریختن بر جبیره [تا آب به پوست برسد] وجود ندارد، اما از باب تنقیح مناط، تکرار الماء نیز از لابه‌لای روایات استفاده می‌شود، پس اگر گفته شود که هدف از ذکر نزع و وضع فی الماء، وصول الماء به بشره بوده است و ذکر اینها از باب مثال بوده، گفته می‌شود که تکرار الماء را نیز شامل می‌شوند، هرچند که روایتی دال بر تکرار الماء وارد نشده است. شاهد بر این مطلب نیز این است که در روایت حلبی غسل بر نزع متفرع شده است و وصول آب به پوست را بر فرو بردن و نزع در آب متفرع کرده است و از این مطلب استفاده می‌شود که هدف، وصول آب به بشره است، پس از تفریع‌هایی که در روایات آمده است این نتیجه به دست می‌آید که هدف، وصول آب به بشره است، بنابراین، اگر غسل و وصول آب با تکرار الماء نیز محقق شود، هدف حاصل شده است و مشکلی در این جهت نیست.

مرحوم سید (ره) در ادامه نوشته است: «و إن لم يمكن إمّا لضرر الماء أو للنجاسة و عدم إمكان التطهير أو لعدم إمكان إيصال الماء تحت الجبيرة و لا رفعها، فإن كان مكشوفاً يجب غسل أطرافه و وضع خرقة طاهرة عليه و المسح عليها مع الرطوبة»^۳.

به نظر مرحوم سید (ره)، اگر غسل موضع جبیره ممکن نباشد و این عدم امکان به خاطر ضرر داشتن آب یا نجاست و عدم امکان تطهیر آن باشد یا به خاطر عدم امکان رساندن آب به زیر جبیره باشد و رفع جبیره نیز ممکن نباشد، پس اگر [محل جراحی] مکشوف باشد، واجب است که اطراف آن شسته شود و پارچه پاکی روی آن گذاشته شود و با رطوبت بر آن پارچه مسح شود. دلیل اینکه اگر استعمال آب ضرر داشته باشد باید وضوی عذری بگیرد، روایاتی است که در این زمینه وارد شده‌اند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۳، ح ۲.

۲. همان، ص ۴۶۵، ح ۷.

۳. سید محمدکاظم، طباطبائی یزدی، العروة الوثقی، ج ۱، ص ۲۵۶.

روایت اول: روایت صحیحہ حلبی: «...إِنْ كَانَ يُؤْذِيهِ الْمَاءُ فَلْيُمْسَحْ عَلَى الْخِرْقَةِ...»^۱.

روایت دوم: روایت کلب اسدی: عَنْ كَلْبِ بْنِ الْأَسَدِيِّ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) عَنْ الرَّجُلِ إِذَا كَانَ كَسِيرًا كَيْفَ يَصْنَعُ بِالصَّلَاةِ؟ قَالَ: «إِنْ كَانَ يَتَخَوَّفُ عَلَى نَفْسِهِ فَلْيُمْسَحْ عَلَى جَبَائِرِهِ وَلْيُصَلِّ»^۲.

اگر موضع مورد نظر نجس باشد و استعمال آب ممکن نباشد نیز حکم، همین است، یعنی حکم موردی را دارد که استعمال آب ضرر دارد، در نتیجه در این صورت نیز پارچه‌ای بر موضع مورد نظر گذاشته می‌شود و با رطوبت دست بر روی آن پارچه مسح می‌شود.

صاحب جواهر (ره) فرموده است که مراد از عدم تمکن از استعمال آب اعم از ضرر است، یعنی عدم تمکن، هم فرض ضرر را [که عدم تمکن عقلی است] شامل می‌شود و هم فرض نجاست محل را [که عدم تمکن شرعی است] شامل می‌شود. بنابراین، در فرضی که محل مورد نظر نجس باشد نیز شخص وضوی عذری [یعنی وضوی ناقص که به جای استعمال آب، بر روی پارچه مسح می‌کند] می‌گیرد.

مرحوم صاحب مدارک (ره) نیز نظر مرحوم صاحب جواهر (ره) را دارد و در رابطه با مسأله مورد نظر، ادعای عدم خلاف کرده است و فرموده است که یا استعمال آب ممکن است و یا استعمال آب ممکن نیست که اگر استعمال آب ممکن نبود شخص باید پارچه‌ای روی محل مورد نظر بگذارد و بر آن مسح کند.

دلیل وجوب غسل اطراف جراحت، روایاتی است که در این زمینه وارد شده‌اند که روایات ذیل از آن جمله‌اند:

روایت اول: روایت حلبی: ... قَالَ: وَ سَأَلْتُهُ عَنْ الْجُرْحِ كَيْفَ أَصْنَعُ بِهِ فِي غَسْلِهِ؟ قَالَ: «اغْسِلْ مَا حَوْلَهُ»^۳.

روایت دوم: روایت عبدالله بن سنان: عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (ع)؛ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ الْجُرْحِ كَيْفَ يَصْنَعُ صَاحِبُهُ؟ قَالَ: «يَغْسِلُ مَا حَوْلَهُ»^۴.

روایت سوم: عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ؛ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا (ع) عَنْ الْكَسِيرِ تَكُونُ عَلَيْهِ الْجَبَائِرُ أَوْ تَكُونُ بِهِ الْجِرَاحَةُ كَيْفَ يَصْنَعُ بِالْوُضُوءِ؟ وَ عِنْدَ غُسْلِ الْجَنَابَةِ وَ غُسْلِ الْجُمُعَةِ؟ فَقَالَ: «يَغْسِلُ مَا وَصَلَ إِلَيْهِ الْغُسْلُ مِمَّا ظَهَرَ مِمَّا لَيْسَ عَلَيْهِ الْجَبَائِرُ وَ يَدَعُ مَا سِوَى ذَلِكَ مِمَّا لَا يَسْتَطِيعُ غَسْلَهُ وَ لَا يَنْزِعُ الْجَبَائِرَ وَ لَا يَعْثُ بِجِرَاحَتِهِ»^۵.

علاوه بر روایات مذکور، بعضی از بزرگان گفته‌اند که در فرض مذکور که استعمال آب ممکن نیست، از باب قاعده میسور [المیسور لایسقط بالمعسور] به غسل اطراف زخم و مسح بر پارچه‌ای که روی آن گذاشته می‌شود، حکم می‌شود چون شستن اطراف زخم و مسح بر پارچه‌ای که روی زخم گذاشته می‌شود، میسور غسل محل است [که معسور است].

اما لزوم گذاشتن پارچه پاک بر روی زخم و مسح بر آن [در فرضی که استعمال آب ممکن نیست] از باب روایات نیست، بلکه ادله این حکم از کلمات فقها استفاده شده است که به آنها اشاره می‌شود:

۱. شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، ج ۱، کتاب الطهارة، ابواب الوضوء، باب ۳۹، ص ۴۶۳، ح ۲.

۲. همان، ص ۴۶۵، ح ۸.

۳. همان، ص ۴۶۳، ح ۲.

۴. همان، ص ۴۶۴، ح ۳.

۵. همان، ص ۴۶۳، ح ۱.

دلیل اول، اینکه گفته‌اند که لزوم گذاشتن پارچه پاک بر روی زخم و مسح آن، مقتضای قاعده میسور است، یعنی مسح بر پارچه‌ای که روی زخم گذاشته شده است میسور از غسل آن موضع است. اشکالی بر این استدلال وارد شده است و آن، اینکه میسور غسل بشره، مسح بشره است نه اینکه گفته شود که میسور غسل بشره، مسح بر پارچه باشد.

دلیل دوم، اینکه گفته‌اند که مقتضای روایات دال بر لزوم مسح بر جبیره این است که اگر امکان شستن محل وجود نداشته باشد، روی زخم پارچه پاکی گذاشته می‌شود و بر آن مسح می‌شود، یعنی همان‌گونه که اگر جبیره متصل به عضو باشد و امکان نزع و کندن جبیره وجود نداشته باشد بر روی آن مسح می‌شود، در فرضی که استعمال آب ممکن نباشد، پارچه پاکی روی زخم گذاشته می‌شود و روی آن مسح می‌شود.

بحث جلسه آینده: بررسی دلیل دوم و بقیه ادله، ان شاء الله، در جلسه آینده ذکر خواهد شد.

«الحمد لله رب العالمین»